

انرژی

۲۶ مه ۲۰۱۸

بدهی نادیدنی

صادر می‌شود. از چین قرض می‌گیرند، وارد می‌کنند، وانمود می‌کنند پاک است. این مکانیسم دوگانه بهداشت است — ظاهر پاک، واقعیت کثیف. پاک، سیاست‌های سبز، انتشار کاهش یافته. اما یک بدهی نادیدنی وجود دارد: در حالی که مصرف ادامه می‌یابد، تولید کثیف به جغرافیاهای دیگر است: هنرمند، فعال، کارتون‌نویس، عکاس، نقاش. کشورهای در حال ثروتمند شدن به نظر می‌رسد ردپای اکولوژیک خود را کوچک کرده‌اند — تولید اعداد، نمودارها، گزارش‌ها. اما پشت این ارقام جریان‌ها، بدهی‌ها، سلطه‌ها نهفته — و برای دیدن کردن این جریان‌ها بیشتر از اقتصاددان لازم انرژی مثل یک معیار اقتصادی به نظر می‌رسد — مگاوات، بشکه، معادل دی‌اکسیدکربن.

خود را کاهش داده‌اند اما در واقع آن را به کشورهای دیگر منتقل می‌کنند. در حالی که مصرف را ادامه می‌دهند، تولید کثیف را بیرون می‌فرستند. «کشورهای در حال ثروتمند شدن به نظر می‌رسد ردپای اکولوژیک

نه فقط پول بلکه از دست دادن منابع طبیعی را هم در حساب می‌گیرد — نشان می‌دهد که داستان رشد با خوردن سرمایه طبیعت روایت می‌شود. وجود ندارد وابستگی خارجی ادامه می‌یابد، واردات انرژی منبع اصلی کسری حساب جاری است. مفهوم پس‌انداز اکولوژیک — پس‌انداز ملی که در ترکیه وجود ندارد — عمیق‌تر است، هزینه‌اش بالاست، استخراجش سودآور نیست. اما چون هیچ جهت‌گیری جدی به سمت منابع انرژی جایگزین می‌شود: مرتع، کربن، آب، کشاورزی، جنگل، تولید ماهی — هر یک یک مبلغ بدهی جداگانه. در جستجوی نفت، ذخیره‌ای از نظر اقتصادی سودآور یک واقعیت وجودی است: از زمینی که در آن زندگی می‌کنیم بیشتر از آنچه به ما می‌دهد می‌گیریم. ردپای اکولوژیک در شش دسته اندازه‌گیری ۱۹۷۰ مصرفی بیشتر از ظرفیت زیستی‌اش نشان می‌دهد — یعنی بیشتر از آنچه طبیعت می‌تواند بازسازی کند می‌گیرد. این یک جزئیات فنی نیست، ترکیه از دهه

برداشته شود پایین‌ترین گروه‌های درآمدی جامعه بیشترین آسیب را می‌بینند. همه جا همان الگو: نیروی کار نادیدنی، بدهی نادیدنی، هزینه نادیدنی. داد — کمبود سیستمیک خدمات مراقبتی تعیین‌کننده است. سوبسیدهای سوخت فسیلی، راه سیاست‌های آب‌وهوایی را می‌بندد — وقتی سوبسید نیروی کار زنان هم با مشکل ساختاری مشابهی روبرو می‌شود: خروج زنان تحصیل‌کرده از نیروی کار را نمی‌توان فقط با آموزش یا فرهنگ توضیح — اشتباه است. کاهش نمی‌یابد، جابجا می‌شود. جریان‌های اکولوژیک پنهان در تجارت بین‌الملل، واقعیت پشت داستان رشد پاک است. در تحقیق فرضیه منحنی کوزنتس محیط‌زیستی را زیر سؤال می‌برد: این فرض که با رشد کشورها آلودگی محیط‌زیست ابتدا افزایش، سپس کاهش می‌یابد استانبول — در سیستمی که میانگین ۲.۵۶ مانع کارشناسی ارشد می‌شود — از آنجا به دکترای مرمره، از اراسموس پرتغال به سال تحقیق در سوئد، اقتصاددانی که در خانواده کارگری در Balıkesir بزرگ شده، از اقتصاد بوغازیچی به فناوری اطلاعات

زبان زغال‌سنگ

خانه آقا علی است رفت. شروع از سؤالات زندگی روزمره محدود به محل، نه از مفهوم جهانی، تنها راهی است که مردم را به حرکت وادار می‌کند. دودی که از دودکش نیروگاه حرارتی بیرون می‌آید — مردم واکنش نشان می‌دهند. باید از انتزاع به ملموس، از مفهوم جهانی به نیروگاهی که کنار خیلی مبهم است. اما وقتی می‌گویید «زغال‌سنگ»، آن را به عنوان خطر سلامت قاب می‌کنید — آلودگی هوا، آسم کودکان، مشکل تنفسی سالمندان، تغییر آب‌وهوا یک مفهوم انتزاعی است — توجه اکثریت را جلب نمی‌کند. مفهوم خیلی بزرگ، خیلی دور،

خانه آقا علی قرار است نیروگاه حرارتی ساخته شود، مردم اینجا بیمار می‌شوند — از آنجا شروع می‌شود. بعد می‌توانی به سمت تغییر آب‌وهوا بروی. «وقتی ملموس است مردم به حرکت می‌آیند. کنار

اکولوژیک در یک بدن زندگی می‌کنند. گفت‌وگو توسعه‌گرایی، بزرگ‌ترین مانع پیش روی مبارزه است — چون وعده رشد، ویران‌سازی را توجیه می‌کند. ترکیه از نظر اکولوژیک کشوری بسیار غنی است — اما ظرفیتش برای نابود کردن این غنا هم بالاست. غنای اکولوژیک و ظرفیت ویران‌سازی حقوق بین‌الملل به مبارزه محلی پشتوانه داد. خشکسالی قونیه، برگ‌های خشک‌شده زیتون‌ها — اینها به مردم بیشتر از تغییر آب‌وهوا می‌گویند. دینامیک‌های بسیج جامعه مدنی. امضای توافق پاریس (۲۰۱۵) منبعی غیرمنتظره از مشروعیت برای فعالان زغال‌سنگ شد — در سال ۲۰۱۶ این مرجع علوم سیاسی کار می‌کند. از سال ۲۰۰۸ تحقیق درباره سازمان‌های محیط‌زیستی — پیوند مبارزه زغال‌سنگ و مسائل سلامت، ارتباط تغییر آب‌وهوا، اقتصاد بوغازیچی به دکترای جامعه‌شناسی در McGill کانادا رسیده، روابط دولت-جامعه مدنی-رانت را تحقیق می‌کند. در دانشگاه Bahçeşehir جامعه‌شناس سیاسی متولد استانبول که از

دولت-جامعه مدنی-رانت، مبارزه اکولوژیک همیشه در حاشیه می ماند — اما وقتی از محل شروع شود، آن حاشیه می تواند به مرکز تبدیل شود. زبانی است که مردم را به حرکت وا می دارد. یک پل می توان ساخت از نام شخصی به نظریه جهانی — اما پایه های پل باید در محل باشند. در مثلث دیگری وجود ندارد. فعالان زغال سنگ این را فهمیده اند: به جای اهداف انتزاعی آب و هوا، گفتن «هوای محله ات آلوده می شود، بچه ات بیمار می شود» مشکل ترجمه دانش است: شکافی که با حسن نیت پر نمی شود بین دانش نظری جهانی و عمل محلی. شروع از ملموس، شروع از زندگی مردم — راه در کمپین Yeşilyol فعال کوه ها را می گردد تا مردم را سازماندهی کند — اما «آنارشپیست» تلقی می شود. این

زنجیر

انرژی هسته ای به عنوان راه حل تغییر آب و هوا معرفی می شود — اما این اشتباه است.

فکر کرد. از استخراج ماده خام اورانیوم تا تولید برق، تا پلوتونیوم — آن ماده ای که هر گرمش ۴۰۰۰ دلار است، همه دنیا را روی انگشتش بازی می دهد. «انرژی هسته ای را نمی توان به تنهایی بررسی کرد. باید درون زنجیر هسته ای

بیاید، ۱۲ راکتور ممکن است زیر آب برود. انرژی هسته ای مشکل فنی به نظر می رسد اما ژئوپولیتیک است، رابطه قدرت است، مسئله حاکمیت است. خطرات سونامی، طوفان ها، زلزله ها — فهرست خطر طولانی است و هر ماده آن چهره متفاوتی از فاجعه است. اگر سطح آب در Akkuyu بالا پسماندهای رادیواکتیو، آلودگی حرارتی،

ماه هزار کیلومتر قایق رانی می کند، بدنش را به کنش سیاسی تبدیل می کند. این ساده ترین شکل کنش زیباشناختی-سیاسی است: بدن، پیام، حرکت. مرسین، İğneada — پروژه های نیروگاه هسته ای ترکیه، هر یک نقشه خطر جداگانه ای. کمپین Karakuşlar دریای سیاه — Hüseyin نامی سه هم دانشجوی دکترا هم کارشناسی ارشد دوم — جامعه شناسی و جامعه مدنی — هماهنگ کننده nukleersiz.org، یک مبارزه تمام وقت. سینوپ، فوکوشیما (۲۰۱۱) زندگی را تغییر داده — سه بار به فوکوشیما رفته، به تحقیقات هسته ای روی آورده، در روزنامه سبز نوشتن را شروع کرده. حالا اقتصاددان و سندیکالیستی که دو سال در ژاپن زیسته، در زلزله ۱۹۹۹ در پارک صلح هیروشیما بوده. فاجعه

ساله پسماند — معادله اصلا پاک نمی شود. ژئوپولیتیک پلوتونیوم، لابی گری بین المللی، نشان می دهد که مسئله انرژی نه فنی بلکه سیاسی است. می شود اما وقتی در طول زنجیر هسته ای حساب می شود — هزینه محیط زیستی استخراج اورانیوم، مصرف انرژی پردازش، رادیواکتیویته هزاران شخصی تبدیل شده است. چرنوبیل و فوکوشیما آن سرود را به واقعیت تبدیل کرده اند. انرژی هسته ای به عنوان راه حل آب و هوایی بازاریابی سرود هیروشیمای نظم حکمت از کودکی شنیده شده — وزنی که یک شعر حمل می کند، ده ها سال بعد به احساس مسئولیت

زیستن بدون تولید زیاله

— هم یک تنهایی هم یک قدرت است. وجود خودش به زنان دیگر شجاعت می دهد، پذیرفتن کمبودها و برعهده گرفتن مسئولیت قدرت می آفریند. Mimar به روستایش بازگشته — تنها. به تنهایی زندگی کردن در روستا به عنوان زن، کردن حساسیت محیط زیستی بخشی از زندگی روزمره Trabzon-Sürmene که دوران کودکی اش بین مدرسه و زندگی کشاورزی گذشته، از دستگیری معلم در پیش دبستانی تا تحصیل هنر در Sinan زنی متولد

ابزار به کار می گیرم. برای اینکه در حین انتقاد از سیستم به همان سیستم خدمت نکنم، اول باید زیستن بدون تولید زیاله را برای خودم زندگی می کردم. «هنر را در زندگی خودم و منطقه ای که در آن زندگی می کنم به عنوان

شجاعت دادن به دیگران، به منبع قدرت جمعی تبدیل می شود. حتی حضور یک زن که تنها در روستا زندگی می کند، احتمالات را گسترش می دهد. توسط کودکان بهتر شنیده می شود — زیباترین جنبه هنر لمس کردن مردم است. خروج از سیستم فقط یک انتخاب فردی نیست؛ الگو بودن، می شود — مبارزه جمعی به عنوان سازمان جامعه مدنی، از کنش هنری فردی قوی تر است. داستانی که با هنر برای کودکان کارگر روایت می شود، نمایش اعتراضی برگزار می کند، اما نه فقط معرفی می کند، فضای راه حل مشترک ایجاد می کند. انجمن طبیعت-فرهنگ-هنر Çamburlu تأسیس تبدیل زیاله به بیان — موسیقی، اجرا، نقاشی، یک عمل چندرشته ای. یک چاله معدن مس در روستایش به محل دفن زیاله تبدیل شده — علیه این تبدیل پلاستیک های نایلونی به مواد هنری،

مراسم هفتگی

تاریخی، یک پروژه آرشیسو سازی تبدیل می شود. فرمت های سالنامه، نمایشگاه، تقویم — چیز جاری به آرشیبو، طنز به سند تاریخی تکامل می یابد. کار سیاسی را با فرهنگ عامه و مشاهدات شهری ترکیب می کند. وقتی تکرار می شود، از یک ستون در مجله طنز خارج می شود، به نوعی روایت سال ۲۰۰۶ هفته ای یک ستون در Penguen و Uykusuz می کشد — ۱۲ سال یک روتین بدون وقفه. کارتون هفتگی، شکلی از ثبت است که دستور کارتونستی متولد ۱۹۸۵ که از

کارگردان همکاری می شود — تولید تجسم و اینفوگرافیک، نقشه فجایع هسته ای، شرایط Akkuyu، توپوگرافی صنعت توزیع زغال سنگ و هسته ای. و به انرژی هسته ای وصل کردن ممکن است — مهارت کارتون نیست دقیقا در این گذارهاست. در پروژه فیلم هسته ای آلتورکا بیش از سه سال با یک حوزه ای است که در دستور کار سیاسی عمومی بسیار کم به آن توجه می شود. اما پیوندها می توان برقرار کرد: از سیاست جاری شروع کردن

اکولوژی

به مرکز است. برای پایداری باید با رشته‌های دیگر کار کرد — کارتون‌بست به تنهایی کافی نیست، باید با کارگردان، محقق، فعالان مشترک تولید کرد. باید با هم بروند — اما این یک تعادل بسیار سختی است. کشیدن کارتون درباره اکولوژی، تلاش برای بردن حاشیه‌ای‌ترین موضوع دستور کار کاملاً دیگری پدید می‌آید. درست مثل پیام بدنی که در کمپین Karakuşlar قایق می‌راند — حرکت، پیش از کلمات می‌آید. طنز و پیام سیاسی شکل «مرد ایستاده» — کنش سیاسی با استفاده از بدن — نشان می‌دهد که وقتی اجرا، نوشتار و تصویر با هم ترکیب می‌شوند، قدرت ارتباطی

جریان برق

کارگری کشف‌شده در یک کارگاه در پردیس سیلاهاراغا — حافظه، ماده خام عکاسی است. اولین آثار از این اشیاء آرشویی پیداشده زاده شده‌اند. با یک پروژه روی آب، جریان و انرژی — سری «جریان» — کار می‌کند. عکس‌های قدیمی پیداشده از دست‌فروشان کتاب، نگاتیوهای خانواده هنرمند عکاسی متولد اورفا که کارشناسی ارشد در SVA نیویورک خوانده، سال‌هاست

می‌شود. مرزها هستند اما طبیعت هیچ مرزی ندارد — گردباد ناگهان شن و آتش را بر کشتزارها می‌پاشد، این تصویر شکل اصلی پروژه شده است. را در قاب سودمندی ارائه می‌دهیم: سنگ‌ها را می‌کشیم، آب را می‌بریم، به نام توسعه جشن می‌گیریم. اما آن خشکسالی آن طرف مرز به جنگ تبدیل از سال ۲۰۰۷ شش-هفت سال تحقیق پروژه GAP: رویای «تبدیل شدن به دریا» Harra — شعر یک پدربزرگ — و بعد واقعیت. طبیعت

رسیدن به کودکان، دیدن اینکه آنچه انجام می‌دهی به آنها می‌رسد — این دانشی است که در جیب حمل می‌شود، به کلمه در نمی‌آید اما کار می‌کند. پروژه است. از مزارع پنبه تا شهرهای باستانی زیر آب، از جابجایی‌های جمعیتی تا ساخت سدها — هر یک لحظه‌های متفاوت همان چرخه هستند. اکولوژیک — رشته‌های مختلف را کنار هم می‌گذارد. «جریان» — هم جریان برق هم جریان آب هم رویداد غیرمنتظره — خود کلمه، جوهر مقیاس جغرافیایی بزرگ می‌شود مرز بین محلی و جهانی مبهم می‌شود. سری گفتگوی تکرار-چرخه — از چرخه ستاره‌های Ali Alper تا چرخه‌های زمین‌شناسی، بین‌النهرین — از گوبکلی تپه تا بیزانس اولیه — جاهایی که زیر آب مانده، جابجایی‌های جمعیتی، پس‌انداز و چرخه‌ای بودن. وقتی قطره آب از بطری انجام می‌شود — تعادل ظریف طبیعت، به این اندازه حساس است. مداخله ما اما خیلی خشن و نادرست است. باستان‌شناسی، در اقامتگاه هنری Domasik نیویورک، برای کاشتن لوبیا در بستر، تنظیم

اسکلت کوه

سنگ تکامل می‌یابد. معادن مرمر Carrara ایتالیا، مکان‌های مختلف ترکیه — اسکلت کوهی که می‌بینی، برهنه، پوسته‌کننده‌شده، دردناک است. با موضوع زباله و غیاب شکل گرفته — رهاشدگی خودش یک زیباشناسی و یک انتقاد است. بعد از گزی ۲۰۱۲ به گرافیتی‌های دیوار، سپس به معادن Mimar Sinan — از سال ۲۰۰۲ در بازار هنر، ۱۰ نمایشگاه انفرادی. مسیری که از سال ۲۰۰۴ با فضاهای صنعتی و کارخانه‌های رهاشده شروع شد، نقاشی متولد آنکارا که در استانبول بزرگ شده، فارغ‌التحصیل Güzel Sanatlar

«در معادن مرمر می‌بینی اسکلت کوهی که می‌بینی — خیلی دردم می‌گیرد. اما باید زبان تصویری پیدا کنم.»

حالی که میلیون‌ها درخت بریده می‌شود خودمان را با چند گلدان فریب می‌دهیم. این آرایش‌های سبز مصنوعی راه‌حل‌های خودخواهانه‌ای هستند. چشم‌انداز گذشته و شکستگی امروز، مسئله بوم نقاشی است. سری «Fill in the Plant»: طبیعت مصنوعی، باغ‌های عمودی، فضاهای بتونی — در فاصله بین

می‌کند؟ تنش بین زیباسازی طبیعت و هم‌زمان انتقاد از آن همیشه احساس می‌شود — اما به جای فرار از این تنش، حمل کردنش یک صداقت است. به مجموعه می‌رود، به کالای پرستیژ تبدیل می‌شود — این تناقض، سؤالی است که هنرمند از خودش می‌پرسد. آیا شیء زیبا، انتقاد را بی‌اثر پیام را پاک نمی‌کند؟ شاید. اما انتخاب زیباشناختی چیزی را فراموشانه نمی‌کند — یک راه دیگر برای یادآوری می‌سازد. اثر هنری فروخته می‌شود، دادن چیزهای بد توسط نقاشی را توجیه می‌کند؟ یک کلکتور این نقاشی را می‌خرد و روی دیوارش می‌آویزد و آن را چیزی زیبا می‌بیند — اما آیا این آیا زیبا بودن، نشان

کلام جایگزین

امروز در اینجا، در میانه بحران انرژی، یک کلام جایگزین به وجود آمده است.

می‌زدند، از حاکمیت ملی می‌زدند. اما ما همین موضوع را با صحبت از چرخه‌ها، با صحبت از سلطه انسان بر طبیعت، یک کلام جایگزین تولید کرده‌ایم. «اگر اطراف انرژی انسان‌های کاملاً دیگری آمده بودند — بوروکرات‌ها، اعضای احزاب سیاسی، سرمایه‌گذاران — از توسعه

شده — به جای انرژی هسته‌ای به عنوان «راه‌حل انرژی» «زنجیر هسته‌ای»، به جای توسعه سلطه، به جای رشد چرخه. و تغییر زبان، تغییر نگاه است. در این میز زبان دیگری صحبت

کنیم، در اصل باید خودمان را دوست داشته باشیم. راه حل محور بودن الزامی نیست — بعضی وقتها فقط بودن، شهادت، ثبت خودش کافی است. به عنوان چیزی جدا، به یاد آوردن اینکه بخشی از آن هستیم — خشونتتی که به طبیعت می شود خشونت به خودمان است. باید آن را یادآوری هست که به خودش «فعال» می گوید، هستی که نمی گوید. مهم نه کدام تعریف را انتخاب می کنید، بلکه کاری است که انجام می دهید. ندیدن طبیعت کم ارزش تر نیست. فقط آرشو کردن، روشن کردن و ایجاد تفاوت در مردم می تواند کافی باشد. هم فعال هم هنرمند بودن ممکن است — هنرمندی مستندسازی با راه حل محور بودن متفاوت است — اما

است. اما همه اینها هزینه ای دارند. هسته ای، زغال سنگ، نیروگاه برق — همه چیزی از طبیعت می گیرند، با کمی خطر برمی گردانند. تبدیل همین است. — همه چهره های متفاوت یک سؤال هستند. درختها هر چقدر کندتر رشد کنند همان قدر انرژی و گرما بیشتری می دهند — کندی، انباشت تحلیل گفتمان سیاسی، نقشه خطر فاجعه هسته ای، مسیر جمعی مداخله هنری، ثبت تاریخ هفتگی، تجسم تبدیل، زیر سؤال بردن زیباشناسی انرژی اقتصادی، انرژی سیاسی، انرژی هسته ای، انرژی حیاتی، انرژی ارتباطی، انرژی تبدیل، انرژی زیباشناختی-اخلاقی. محاسبه بدهی اکولوژیک، (Balikesir، استانبول، Trabzon، اورفا، آنکارا)، از مسیرهای مختلف به همان مسئله دست زده اند. هر یک مفهوم انرژی را از جای متفاوتی گرفته: هفت نفر — اقتصاددان انرژی، جامعه شناس سیاسی، فعال ضد هسته ای، هنرمند ساکن روستا، کارتونیس، عکاس، نقاش — از جغرافیاهای مختلف

هفتگی، بقایای باستانی، شهادت های فوکوشیما. همه «فراموش نگذاشتن» هستند. و فراموش نگذاشتن، به اندازه تبدیل کردن یک کنش سیاسی است. می گیرند، در یک میز بی رشته، مثل ریزوم تکثیرشونده پرسیده می شود. حافظه و تاریخ در این میز کاویده شد — عکس های قدیمی، کارتون های بیرون — این چارچوب، مسئله انرژی را از یک مشکل فنی به یک سؤال وجودی تبدیل می کند. و این سؤال، وقتی آکادمی، هنر و فعالیت کنار هم قرار متابولیسیم اجتماعی-اقتصادی — اینکه ما به عنوان جوامع چطور اطرافمان را سازماندهی می کنیم، ورودی از بیرون، پردازش در درون، خروجی به زبان سیستم و رفتن به زبان دیگری — به جای توسعه چرخه، به جای حاکمیت تعادل، به جای رشد پس انداز — این یک کنش سیاسی است. مفهوم انرژی یک معیار اقتصادی نیست — یک پدیده چرخه ای است و در مقابلش تاریخ سلطه انسان ایستاده. رها کردن